

خطرات افسرده گی (Depressionen) :

سترس در دوران حاملگی رده های در دماغ طفل به جا میگذارد



منبع: شپینگل آنلین

نویسنده: کاترین نوی بوور

مترجم: دکتر غلام محمد انصاری "عضو کمیسیون صحتی مجمع دانشمندان و متخصصان افغانستان"

سترس در دوران حاملگی یک فاکتور ریسک Risk بار برای افسرده گی های بعدی و دیگر امراض میباشد. محققین شهر Jena المان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند. در مغز اطفال نا تولد شده کشف نمودند که هارمون های سترس چه رده های به جا می گذارند.

هر زن در دوران حاملگی این سوال را مطرح می سازد "طفل در بطن من چه احساس و دریافت ها دارد؟" آیا ترس، فشار، غم و درد که مادر در دوران حاملگی احساس می کند به طفل در بطن مادر نفوذ میکند؟ و به خصوص: میتواند این یک ضرری در مراحل بعدی زنده گی ایجاد نماید؟ واقعیت امر این است که فشار های مادر ناشی از سترس ها تا جنین میرسد ولی نه به شکل یک و یک: انزایم های در پلاستنتا (Placenta) استند که جنین را از ترس ها و نا آرامی های زیاد مادر حفظ میکنند ولی با وجود آن 10% از هارمون های سترس مادر یعنی کورتیزول (Kortisol) به موجود کوچک میرسد این مقدار کافیسیت که یک تاثیر بزرگ بالا طفل در بطن داشته باشد.

محققین کلینک نیورولوژی هانس بورگر پوهنتون شهر Jena که روز جمعه نتایج تحقیقات خود را در سال روز مجمع المانی برای تحقیقات خواب و طبابت خواب DGSM در شهر ویسبادان المان پیشکش نمودند، به این نتیجه رسیدند.

"سترس دوران حاملگی سبب بلند رفتن دوام دار هارمون های سترس برای طفل در بطن مادر شده و پروسه پخته شدن دماغ را سرعت می بخشد"

اینرا آقای متیاس شوپ (Mattias Schwab) دکتر اعصاب که در Jena گروه کاری "رشد دماغی جنین و پروگرام شدن امراض در مراحل بعدی زنده گی" را رهبری می کند می گوید: "سترس در دوران حاملگی یک فاکتور ریسک بار عمده برای ایجاد افسرده گی و امراض دیگر در مراحل بعدی زنده گی می باشد."

EEG در بطن مادر: برای آنکه بتوان فعالیت های دماغ را توسط EEG معاينه نمود، محققین تحقیقات خود را روی گوسفند ها انجام دادند. چون حاملگی و انکشاف دماغی آنها مانند انسان ها سیر می نمایند. به حیوانات مادر بینامیتازون Betamethasone تزریق نمودند. این یک ماده مصنوعی کیمیاویست که همانند کورتیزول (Kortisol) انسان ها به گروپ گلوکو سٹیروئید (Glucocorticoiden) ها تعلق دارد که این دوا همچنان در نزد مادران که خطر زایمان پیش از وقت آنها را تهدید می کند، تزریق می گردد.

این دوا سبب پخته شدن سربش های طفل شده و به این ترتیب چانس زنده ماندن طفل را بالا می برد. در نزد گوسفندان در هفته 25 تا 32 حاملگی این دوا را تزریق نمودند.

نتیجه: هارمون سترس نه تنها سبب پخته شدن شش ها شد بلکه پخته شدن دماغ را نیز سبب گردید، شوپ می گوید: "این قضیه بخصوص در انکشاف خواب خیالاتی که به صورت نورمال در سه ماه آخر حاملگی تا چندین هفته ادامه می یابد، قابل دید گردید." بیتامینازون در دماغ یک سویچ جابجا می کند که خواب خیالاتی را در حدود دو تا سه روز فعال می سازد.

نتیجه دیگر این تحقیقات آن بود که مراحل خواب را به صورت دوام دار به بخش ها تقسیم نمودند. خواب عمیق و خواب خیالاتی در فاصله های کوتاه تغییر و تبدیل می شدند. به پارچه ها تقسیم شدن خواب یک علامت تیپیک برای افسرده گی های دوران بعدی زنده گیست و قرار گفتار شوپ این وضع در اطفال نوزاد انسان ها نیز تبارز می کند. " وقت مادر در دوران حمل سترس بالا تر از حد نورمال داشته باشد."

ریسک زیاد افسرده گی در نزد متولدین پیش از وقت

مشکل در پخته شدن پیش از وقت ساختار های دماغ:

شوپ به این عقیده است که: "این به قیمت پروسه تکامل و تقسیمات حجرات تمام میشود" این ادعا را سایر متخصصین طبی نیز تصدیق نموده اند. تورستن برون (Thorsten Braun) داکتر بخش ولادی شفاخانه شاریتی برلین میگوید: "اطفال که توسط دوا پخته شدن شش یعنی بیتامینازون Betamethasone تداوی شده اند، گراف سترس شان به صورت واضع فعالیت بیشتر را نشان میدهند و داری وزن کم می باشند."

برون میگوید: "به 8 تا 10% خانمان حامله در المان در وضع تهدیدی زایمان پیش از وقت بیتامینازون داده میشود." بیچکاری پخته شدن شش قبل از وقت، 31% مرگ اطفال متولد قبل از وقت را کاهش میدهد. ولی در تجارب و تحقیقات بالای حیوانات به اثبات رسید که تزریق هارمون سترس در وقت حمل در مراحل بعدی زنده گی مبتلا شدن به امراض مثل فشار بلند، امراض قلبی و مرض شکر را سهل میسازد. مطالعات بالای انسان ها نشان داد که ریسک مبتلا شدن به افسرده گی و اختلالات سلوکی در آنها خیلی بلند می باشد.

وقت ملاقات با داکتر " بهترین راه برای یک حاملگی متوازن "

در یک مطالعه تحقیقی غیر رسمی، شوپ و تیم کاری اش 40 طفل هشت ساله را که در رحم مادر توسط بیتامینازون تداوی شده بودند با چهل طفل که بصورت نورمال متولد گردیده اند، به مقایسه گرفت. در یک تست سترس اطفال تداوی شده واضعاً نتایج خراب داشتند، 10% ایکوی آنها به صورت اوسط پائین تر نسبت از اطفال نورمال بوده و در توجه و تمرکز دچار مشکل میشدند. بر علاوه EEG این اطفال نشان داد که خود را پیش از تست نمی توانستند راحت سازند و دماغ خود را در جریان تست فعال نمایند.

وقت اطفال قبل از تولد هارمون سترس را دریافت نمایند وجود سویه ای بلند هارمون ها را نورمال تلقی مینماید. شوپ گفت: "این اطفال در رحم مادر چنان پروگرام میشوند که در تمام طول عمر هارمون سترس را افزاز نمایند." این بی تفاوت است که آیا هارمون سترس در وقت حمل تزریق شده یا هارمون سترس منتقل شده از خود مادر بوده باشد.

محققین پوهنتون Tilburg هالند توانستند به اثبات برسانند، که سترس مادر بخصوص در هفته های 12 تا 22 حاملگی بر انکشاف احساسات و خلایقیت های طفل تاثیرات نا مناسب داشته که این تاثیرات تا 20 سال بعد هم وضاحت میداشته باشد.

شوپ از تولید ترس در این زمینه هشدار میدهد و می گوید: "سترس در دوران حاملگی نورمال است" همچنان بیچکاری پخته شدن شش یک تداوی ضروری میتواند باشد. ولی "سویه ای بلند هارمون های سترس در جنین و رحم مادر بعد از این تحقیقات خاطر نشان ساخت که در پیدایش امراض نقش زیاد تر از آنچه تا حال تصور میرفت را دارد."

خلاصهء نتیجه گیری مترجم از تحقیقات فوق: سترس در دوران قبل از حمل، جریان حمل و پس از زایمان یکی از فکتور های عمده و اساسی در بروز امراض در مراحل بعدی زنده گی بوده و تاثیر مستقیم بر حالت صحت روحی، عقلی، جسمی و اجتماعی طفل میداشته باشد.

تبصره مترجم: نقد من بر آقای شوایپ در اظهارات اخیر اش در تحقیق فوق این است که او نتواسته است مواضع علمی خود را به دفاع گرفته و راه های درستی در حل مشکل تحقیقی و نتایج ناشی از آن را پیشنهاد نماید. در عوض با نوشتن "سترس در دوران حاملگی نورمال است" و "پیچکاری پخته شدن شش یک تداوی ضرورست" محتوا و نتیجه تحقیق فوق را رد نموده راه را برای پژوهش های عمیق علمی بعدی در این زمینه دچار مشکلات ساخته است. زیرا موضوع مرکزی این تحقیقات بحث روی سترس نورمال دوارن حاملگی نبوده بلکه سترس دوام دار و مرضی که متداوم سبب افزاز کورتیزول یعنی هارمون سترس می گردد، بوده است.

او با این دو بیان اخیر نخواست دل فابریکه های تولید دوا را بشکند و در راه حل تهابی این مشکل تعمق ننموده است که این از نظر علمی درست نیست. از نظر من راه یابی را باید در پروگرام های حمایه طفل و مادر در برابر سترس مرضی جستجو نمود و با حداقل رساندن این سترس حیات طفل و مادر را مورد حمایت قرار داد. از طرف دیگر دلیل حمل های قبل از وقت را عمیق تر مورد مطالعه و تحقیق قرار داده و عوامل اصلی آن را مثلاً در سترس های دوام دار و ده ها فکتور محیطی، غذایی، عقلی، روانی و اجتماعی دیگر مورد پژوهش و تحقیق قرار داد.

تذکر: سپاس فراوان از محترم انجنیر قیس کبیر که لطف کرده مطلب فوق را برایم ارسال داشتند. از آن جای که تحقیقات فوق با برداشت، نظریات و پژوهش های من پیوند دارند. من تلاش نمودم تا با حفظ سلامت ترجمه آنرا خدمت شما ارائه نمایم. زیرا این تحقیقات صحت نظریات و برداشت هایم را در رابطه به "پیدایش و نقش شعور و ماتحت شعور در زنده گی انسان ها" تصدیق مینماید. ضمناً با تحقیقات فوق نظریهء "در انسان شناسی گفته شده که در 9 ماه حمل طفل درحد اعلاى راحت است و کمبود ندارد، مادر هم خود را پور و با کفایت می یابد..." رد گردیده و نشان داد که نظریه فوق روی تحقیقات علمی قرن 21 استوار نبوده و موضوع برعکس آن است.